

الگوهای سنجش و مطالعه امنیت انسانی

محمدعلی قاسمی

تاریخ ارائه: ۱۳۸۴/۸/۱۰

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

تاریخ تأیید: ۱۳۸۴/۹/۱۷

چکیده

طی دهه اخیر نظریات مختلفی در باب امنیت انسانی، طرح شده‌اند؛ اما بیشتر آنها در سطح نظریه پردازی بوده و در ساحت عمل، ایده قابل سنجش و ارزیابی ارائه نداده‌اند. در تحقیق حاضر معروفترین متدولوژی‌ها برای سنجش امنیت انسانی یعنی نظریه فقر عمومی، ارزیابی امنیت انسانی (HAS)، شاخص امنیت انسانی پروژه تغییر محیط زیست جهانی و امنیت انسانی، روش گزارشی امنیت انسانی و متدولوژی تیلر اون، بحث شده و نقاط و قوت و ضعف آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در شاخص‌سازی برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) از هفت شاخص امنیت اقتصادی، امنیت بهداشتی، امنیت اجتماعی، امنیت زیست‌محیطی و امنیت شخصی بحث می‌شود. این مفهوم‌سازی از امنیت انسانی یکی از موسع‌ترین و کاملترین برداشت‌ها از امنیت به حساب می‌آید و در عین حال به دلیل شمول گسترده‌اش بی‌آنکه ربط سیستماتیک محکمی بین اجزاء آن به وجود آورد، آماج انتقاد قرار گرفته است. شاخص‌سازی و مدل‌های ارزیابی محل بحث در این نوشتار، بر بنیاد همین مفهوم‌سازی خواهد بود. ضمن آنکه نویسنده در پایان بر مدل تیلر اون تأکید کرده و آن را نسبت به دیگر الگوها مناسبتر می‌داند.

کلیدواژه‌ها: امنیت انسانی، سنجش امنیت انسانی، شاخص‌های امنیت انسانی

مقدمه

مبحث امنیت انسانی، از مباحث جدید در مطالعات استراتژیک است که در مدتی کوتاه ادبیات قابل توجهی پیرامون آن پدید آمده است. اهتمام نهادهای بین‌المللی چون برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ به آن و طرح امنیت انسانی به مثابه یکی از ابزارهای سنجش جایگاه کشورها در روند توسعه و پیشرفت، ضرورت مطالعه عینی و نه نظری محض این مقوله را آشکار می‌کند. در این خصوص الگوهای مختلف و متفاوتی ارائه شده‌اند که البته مطالعه همه آنها موجب تطویل بحث خواهد شد؛ بنابراین در این مقاله پس از بحثی مختصر پیرامون مفهوم امنیت انسانی و با مفروض گرفتن مباحث تئوریک موجود در این عرصه، مهمترین الگوهای عملیاتی مطالعه و سنجش امنیت انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرند و به نقاط قوت و ضعف هر یک از آنها اشاراتی خواهد شد.

الف. تمهید نظری

امنیت انسانی، با فاصله گرفتن از برداشت سنتی و مرسوم از امنیت شکل گرفت. در برداشت سنتی، امنیت به معنای حفاظت و حراست از دولت بود و توازن آنارشیستی قدرت مفروض گرفته می‌شد؛ بنابراین تلاش برای وصول به صلح و ثبات باید در چارچوب آن صورت می‌گرفت. پس از پایان جنگ سرد، موضوع (ابژه) امنیت، دیگر صرفاً دولت به حساب نیامد؛ زیرا اگر بپذیریم که هدف هر اقدام امنیتی حفاظت از انسانهاست، در آن صورت ملاحظه می‌شود که مرگ و میر و مخاطرات اصلی افراد بشر ناشی از روابط میان دولت‌ها و جنگ بین آنها نیست؛ بلکه تهدیدات دیگری چون سیل، بیماری و مانند آن مرگبارترند. در این چارچوب ایده امنیت انسانی مطرح شد و دسته‌بندی‌های جدیدی از تهدیدات متوجه نوع بشر و افراد انسانی را مطرح ساخت. اقسام تهدیدات به نسبت ایدئولوژی‌های افراد و طرز تلقی آنها متفاوت بود. از سوی دیگر نیز تنوع در طرح اقسام تهدیدات امکان بحث کلی و عام از مبحث امنیت انسانی را مخدوش می‌سازد و آن را صرفاً به فهرستی از تهدیدات گاه کاملاً جدا و نامرتب مبدل می‌کند. این اختلاف برداشت‌ها انعکاس خود را در متدولوژی‌های سنجش امنیت

انسانی نیز منعکس می‌کند. در واقع دو معضل اساسی یعنی تمییز و تشخیص تهدیدات علیه امنیت انسانی، و اولویت‌بندی و تقدم و تأخر این تهدیدات؛ راه را برای ظهور، به تعبیر تیلر اون^۱، شش متدولوژی سنجش (که با احتساب متدولوژی ابداعی وی به هفت مورد افزایش می‌یابد) باز کرده‌اند.^(۱) در این نوشتار بعد از مسایل اصلی سنجش^۲ امنیت انسانی به تفصیل بیشتر از متدولوژی پیشنهادی تیلر اون بحث خواهد شد. زیرا که به نظر می‌رسد برای مطالعات عینی و عملیاتی مناسب‌تر و مفیدتر باشد.

اگر گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۳ در سال ۱۹۹۴ را ملاک قرار دهیم، هفت مقوله در ذیل عنوان امنیت انسانی خواهد گنجید که عبارتند از امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت اجتماعی^۴، امنیت زیست‌محیطی و امنیت شخصی.^(۲) این دسته‌بندی تهدیدات و عرصه‌های امنیتی یکی از موسع‌ترین مفهوم‌سازی‌ها از امنیت انسانی است. اگر این وسعت نقصی برای آن باشد، در مقابل به واسطه شمولش می‌تواند مبنایی برای مطالعه دیگر متدولوژی‌های سنجش امنیت انسانی قرار گیرد.

محققان و صاحب‌نظران از امنیت انسانی تعاریف متنوع و کثیری ارائه داده‌اند؛ اما عمده این تعاریف نقاط اشتراک فراوانی دارند. طبق این تعاریف هدف امنیت انسانی محافظت از هسته حیاتی^۵ همه آدمیان در مقابل تهدیدات شایع و گسترده است؛ به گونه‌ای که با کمال و تعالی بلندمدت بشری سازگار باشد.^(۳) بر اساس این تعریف، امنیت انسانی قصد حراست از انسان‌ها را دارد؛ یعنی تهدیدمحور نیست. همچنین امنیت انسانی مشوق حراست و مراقبت نهادینه، پاسخگو و پیشگیرانه است، نه انفعالی. همچنانکه هسته حیاتی به معنای آزادی‌ها و حقوقی است که به بقای معیشت و حرمت اساسی آدمی مربوط می‌شود. در تعریف فوق حیات همه آدمیان مد نظر است و نه حفاظت از سرزمین و قلمرو دولتی خاص که مشخصه سیاست‌های امنیتی ادوار گذشته است. در اینجا امنیت انسانی به امنیت همه انبای بشر فارغ از

1 . Owen

2 . Measurement

3 . UNDP

4 . Community

5 . Vital Core

جنسیت، نژاد، دین، شهروندی و دیگر ویژگی‌های انسان‌ها، معطوف می‌شود. منظور از تهدیدات شایع و گسترده نیز، تهدیداتی است که یا در مقیاس جغرافیایی و جمعیتی وسیعی رخ می‌دهند و یا تهدیداتی که مکرراً اتفاق می‌افتند و در نهایت اینکه حمایت و حراست از حیات انسانها، فقط حفاظت از جسم و تن آنها نیست؛ بلکه فراهم آوردن امکان مشارکت، آزادی بیان آراء و عقاید و شکوفایی ارزش‌های مطلوب هر گروه و اجتماع است. بنابراین صرف سیرکردن شکم افراد، اگر که حفظ حرمت و کرامت انسانی آنها مد نظر قرار نگیرد، برای تأمین امنیت انسانی آنها کافی نیست.

با آنکه آثار متعدد و متنوعی درباره امنیت انسانی و ابعاد مختلف آن نوشته شده، اما نکته مهمتر یعنی طرح عملیاتی و قابل آزمون مباحث، کمتر محل توجه قرار گرفته است. همانطور که پیشتر اشاره شد، فهرست متفاوتی از ارزش‌های انسانی و طبعاً روش‌های متفاوتی نیز برای سنجش میزان امنیت انسانی، می‌تواند طرح شود. در این نوشتار با اساس قرار دادن تحلیل و تعریف و مقایسه متدولوژی‌های مطروحه با آن، به مهمترین این متدولوژی‌ها پرداخته می‌شود. **یک.** فقر عمومی^۱؛ گری‌کینگ و کریستوفر موری، دوتن از پژوهشگران دانشگاه هاروارد، در مقاله مشترکی، نامنی انسانی را وضعیت «فقر عمومی» تلقی کرده و معتقدند که چون امنیت مبتنی بر خطر محرومیت شدید است، لذا با مفهوم فقر ربط مستقیمی دارد. آنان فقر را در معنایی موسع‌تر از «درآمد اندک» تعریف می‌کنند و محرومیت از هر نوع توانایی و قابلیت بنیادین^۲ را در آن می‌گنجانند. به زعم آنان شخصی که در حالت فقر عمومی است، در وضعی پایین‌تر از آستانه از قبل تعریف شده هر کدام از عرصه‌های رفاهی^۳ قرار دارد، و اساساً تفاوتی کیفی در تجربه زندگی بالاتر و پایین‌تر از آستانه مزبور وجود دارد. هیچکدام از این شاخص‌ها بالاتر از دیگری نیستند. (۳) موری و کینگ، حوزه‌های رفاهی را درآمد، بهداشت، آموزش، آزادی سیاسی و دموکراسی تعریف می‌کنند که شباهت و توازی آشکاری با تعریف NDP دارد. در هر حوزه شاخصی دو سویه انتخاب می‌شود که در آن نمره هر فرد می‌تواند بین یک و صفر باشد.

1 . Generalized

2 . Basic Capabilities

3 . Being Well

شاخص	حوزه
تولید ناخالص داخلی سرانه که مبدل به تساوی قدرت خرید می‌شود	درآمد
کیفیت شاخص سلامتی	بهداشت
میزان سواد یا متوسط سال‌های تحصیل	آموزشی
آزادی اجتماعی با مبنای اندازه‌گیری خانه آزادی	آزادی سیاسی
کسری از افراد بالغ قادر به مشارکت سیاسی	دموکراسی

سه روش برای تقویت نظریه موری و کینگ در خصوص فقر عمومی مطرح شده است. رقم اول سال‌های امنیت انسانی فردی^۱ یعنی سال‌هایی است که انتظار می‌رود فرد خارج از وضع «فقر عمومی» به سر برد. اگر شخص نمره‌اش در هر کدام از شاخص‌های فوق صفر باشد، فقر عمومی خواهد بود. بنابراین آشکار است که فقر در اینجا معنای سنتی خود را ندارد، به طوری که آزادی سیاسی نیز در آن گنجانده می‌شود.

رقم دوم امنیت انسانی فردی^۲ است که نسبت طول عمری را که فرد انتظار می‌رود بتواند خارج از فقر عمومی بگذراند، نشان می‌دهد. این رقم بررسی دقیق‌تر سنی را میسر می‌سازد. در حالت سوم روش جمع سال‌های امنیت انسانی فردی برای جمعیتی خاص، مثلاً در داخل یک کشور ملی، یعنی سال‌های جمعیتی امنیت انسانی (YHS) مطرح می‌شود که می‌تواند برای مطالعه توسعه و سیاست‌های امنیتی کاربرد داشته باشد. (۴)

دو. ارزیابی امنیت انسانی^۳: کانتی با جایابی با تلفیق نقاط اشتراک تعاریف (UNDP) و کانادا از امنیت انسانی، آن را حراست و حفاظت در مقابل تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم دانست. جدول تهدیدات وی به این شرح است: (۵)

1 . YIHS

2 . HSI

3 . Human Security Audit

تهديدات مستقيم	
محلّی	جرايم خشونت بار، آزار زنان / کودکان
منطقه‌ای	تروریسم، نسل‌کشی، سرکوب حکومتی
ملی	خشونت اجتماعی، جنگ بین‌المللی، راهزنی، خشونت قومی
بین‌المللی	جنگ بین دولت‌ها، سلاح‌های کشتار جمعی، مین‌های زمینی
تهديدات غیرمستقيم	فقدان حوايج اولیه چون غذا، آب و بهداشت اولیه
در سطح اجتماعی	بیماری
در سطح جهانی	سطوح بیکاری
	رشد یا کاهش جمعیت
	بلایای طبیعی
	تحرك جمعیتی
	فرسایش محیط زیست
	مصرف نابرابر

مرحله اول روش سنجش، اندازه‌گیری تهدیدات علیه فرد است. این کار از طریق جمع‌آوری داده‌های کمی از مجموعه‌ای از تهدیدات بالقوه مستقیم و غیرمستقیم مذکور در لیست صورت می‌گیرد. البته جمع‌آوری این اطلاعات به سهولت میسر نیست و برخی از آنها به ویژه در کشورهای در حال توسعه به صورت محرمانه‌اند و یا اصلاً اطلاعاتی از آنها در دست نیست. همچنین در باب چستی تهدیدات بالقوه اتفاق نظری وجود ندارد.

مرحله دوم، اندازه‌گیری قابلیت افراد برای مواجهه با تهدیدات است. این کار از طریق ارزیابی کمی ظرفیت‌های دولت یا افراد به دست می‌آید. باجپای بین دو نکته فوق (افزایش یا کاهش تهدیدات، ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها برای مقابله با آنها) و آناتومی آدمی رابطه‌ای برقرار می‌کند. بر این اساس سلامت آدمی را با ماهیت و شدت عفونت‌هایی که به حیات او لطمه می‌زنند (تهدیدات) و سلامت سیستم ایمنی بدن که قدرت مقاومت دارد (قابلیت مقابله با تهدیدات) می‌توان ارزیابی کرد. به زعم وی در برخی موارد، بهتر است از ارزیابی ظهور و افول تهدیدات استفاده کرد. (۶)

باجبای طرح تهدیدات / قابلیت‌ها را برای مقایسه بین کشور و مقایسه مناطق داخل این کشورها، مفید می‌داند. به زعم وی ارزیابی امنیت انسانی را به دو شکل کمی و کیفی می‌توان عملیاتی کرد. در حالت اول می‌توان میزان کمی امنیت انسانی را به صورت سالانه تهیه کرد. این رقم به موازات شاخص توسعه انسانی و شاخص جدیدتر حکومت‌داری انسانی^۱ است و داده‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد.

ثانیاً فاکتورهایی که مستعد سنجش کمی نیستند به صورت کیفی می‌توانند ارزیابی شوند. این قبیل فاکتورها عموماً در سطوح بین‌المللی / جهانی بوده و بیشتر به قابلیت‌ها مربوط می‌شوند تا تهدیدات. بر این اساس تخمین کمی و سالانه تلاش‌های جهانی برای خلع سلاح، بسیار مفیدتر از تهیه فهرست تعداد سلاح‌های هسته‌ای بیولوژیک و شیمیایی می‌باشد. در زمینه محیط زیست نیز اگرچه داده‌هایی درباره تولید گاز کربنیک و گرم‌شدن زمین وجود دارد، لیکن اینها محل مناقشه‌اند. بنابراین گزارش سالانه در باب توافقات جهانی برای کنترل تولید گاز کربنیک و بهبود اوضاع محیط زیست بهتر از ارائه آمارهای مخدوش و غیرقطعی است. در سطح ملی / اجتماعی نیز پیمایش‌های کیفی در خصوص تأثیر تبعیض‌آمیز یا مضر قوانین بر حساسیت‌های قومی / مذهبی گروه‌ها اهمیت حیاتی دارد. از این‌رو «ارزیابی امنیت انسانی» نمی‌تواند خود را به ارائه آمار کودکان و زنان قاچاق‌شده و یا فراری محدود کند و باید خط‌مشی‌ها و سیاست‌های ملی و بین‌المللی در این زمینه را نیز تجزیه و تحلیل نماید. (۷)

نظریات باجبای به رغم جذابیت و نکته‌آموزیهایش محدودیت‌های عملی چندی نیز دارد. متدولوژی جمع‌آوری داده‌های کمی و چگونگی ارزیابی تهدیدات و قابلیت‌ها مشخص نشده است. همچنین اطمینانی وجود ندارد که قابلیت‌ها رافع تهدیدات باشند و اگر چنین نباشند، تهیه ارقام قابلیت‌ها بی‌معنا می‌شود. برای مثال اگر کشوری از قابلیت و توانایی زیادی در زمینه بهداشت و درمان برخوردار باشد، اما برنامه‌ای برای پاسخگویی به بلایا و فجایع نداشته باشد، در معرض تهدیدات عمده قرار می‌گیرد؛ هرچند از لحاظ قابلیت نیز در سطح بالایی باشد.

سه. شاخص امنیت انسانی پروژه تغییر محیط زیست جهانی و امنیت انسانی^۱: طبق تعریف این شاخص، که اعتبار زیادی به مسایل زیست‌محیطی می‌دهد، برخی شرایط زیست‌محیطی و اجتماعی، در صورت همراه شدن با جوامع آسیب‌پذیر، ناامنی انسانی را موجب می‌شوند. طبق این تعریف، امنیت فقط زمانی کسب می‌شود که افراد به صورت فیزیکی یا سیاسی گزینه رد یا قبول تهدیدات متوجه محیط زیست و حقوق اجتماعی یا انسانی‌شان را داشته باشند. به زعم آنان فرسایش محیط زیست با سه خصوصیت کلیدی زیر به امنیت وصل می‌شود: (۸)

۱. علیت انباشتی بین امنیت و محیط زیست وجود دارد (مثلاً فرسایش محیط زیست ممکن است موجب تحرک جمعیتی شود که خود تهدیدی برای محیط زیست است).
۲. پاسخ به تهدیدات زیست‌محیطی ممکن است باعث ناامنی‌های دیگری شود (مانند تحرک جمعیتی که ممکن است به دیگر وجوه امنیت انسانی نیز لطمه بزند).
۳. امنیت انسانی تجلی این نگرش است که مسایل باید همواره از منظری وسیع‌تر نگریسته شوند و در آن فقر و عدالت (اجتماعی، اقتصادی زیست‌محیطی یا نهادی) نیز گنجانده شوند؛ زیرا اغلب آنها به منازعه و ناامنی می‌انجامند. برای سنجش امنیت چهار شاخص از چهار حوزه تهدید انتخاب می‌شوند که گزینش آنها بر پایه ملاک‌های زیر است:

۱. ارتباط آنها با چارچوب انتخاب.
 ۲. وجود رابطه تئوریک یا تجربی بین شاخص و ناامنی.
 ۳. در دسترس بودن کلی داده‌ها.
 ۴. تطابق داده‌ها با شاخص‌های انتخابی دیگر تا امکان مدل‌سازی آتی سیستم فراهم شود (قیاس‌پذیری داده‌ها).
 ۵. تناسب پوشش فضایی (تعداد کشورها و سری‌های زمانی).
- در عین حال اولویت این فاکتورها مشخص نیست و این از ضعف‌های شاخص مذکور است. در هر صورت، در شاخص (GECHS)، عوامل ناامنی انسانی در مجموعه‌ای استاندارد به شرح زیر ارائه می‌شوند: (۹)

در عرصه محیط زیست

- * میزان خالص انرژی وارداتی (درصد مصرف تجاری انرژی)
- * فرسایش خاک (تن / سال)
- * آب سالم (درصد جمعیت دارای دسترس)
- * اراضی قابل کشت (هکتار / شخص)
- * تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی (دلار)
- * رشد سرانه تولید ناخالص ملی (درصد سالانه)
- * نرخ بی‌سوادی بزرگسالان (درصد جمعیت بالای ۱۵ سال)

در سطح جامعه

- * ارزش صادرات و واردات کالاها و خدمات (درصد GDP)
- * رشد جمعیت شهری (درصد سالانه)
- * جمعیت جوان مذکر (درصد تا چهارده سال به کل جمعیت)
- * نسبت مرگ و میر مادران (درصد هزار تولد)
- * امید به زندگی (سال)

در سطح نهادها

- * هزینه‌های دولتی دفاعی در قیاس با تحصیلات ابتدایی و متوسطه (درصد GDP)
- * سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص داخلی (درصد GDP)
- * درجه‌های دمکراتیزاسیون (در مقیاس ۱ - ۷)
- * شاخص آزادی انسانی (در مقیاس ۰ - ۴۰)

متدولوژی پس از انتخاب شاخص‌ها سه مرحله را پیش‌بینی می‌کند. اول داده‌های هر شاخص در سطح ملی، به صورت تفصیلی و در زمانی مفروض جمع‌آوری و اطلاعات ناقص از طریق رگرسیون خطی تخمین زده می‌شود. دوم داده‌ها بر اساس یک مقیاس استاندارد^۱

می‌شوند و در انتها، شاخص با استفاده از تحلیل خوشه‌ای و نسبت داده میزانی از شدت (نامنی) بین یک تا ده به هر شاخص در هر کشور محاسبه می‌شود. (۱۰)

این شاخص‌بندی و رویکرد نقص‌هایی هم دارد. اول آنکه بیش از اندازه‌گیری امنیت انسانی متوجه سنجش توسعه انسانی است و نتایج آن نیز با نتایج شاخص توسعه انسانی^۱ تفاوت خاصی ندارد. دوم آنکه تفاوت خاصی بین شاخص مذکور و توسعه نیست.

چهار. گزارش امنیت انسانی: مرکز امنیت انسانی^۲، که این روش را ارائه کرده، محدودترین اندازه نامنی انسانی را مطرح و آن را به دلایل عملی و متدولوژیک به مرگ‌های ناشی از خشونت جنایی و منازعات محدود می‌کند. در این شاخص مجرومین گنجانده نمی‌شوند و کشته‌شدگان بهترین شاخص به حساب می‌آیند. در شاخص‌سازی مذکور، میزان مرگ‌ومیر، قتل و جان‌باختن در جنگ‌ها و همچنین بلایای طبیعی در سطح منطقه‌ای و ملی جمع‌آوری و گنجانده می‌شوند. (۱۱)

البته این شاخص نقایص مهمی نیز دارد. اولاً اطلاعات کافی و دقیقی از تعداد کشته‌گان سالانه منازعات وجود ندارد. ثانیاً این قبیل داده‌ها حسب تمایلات ارائه‌کنندگان متفاوت می‌شوند و چون این آمارها قابل اعتماد نیستند، نمی‌توان رده‌بندی مشخصی از کشورها ارائه نمود و اساساً داشتن رده خاص نیز معنای مهمی ندارد و در عین حال رده‌بندی با ارقام نجومی نیز میسر است. ثالثاً اطلاعات مربوط به خشونت‌های جنایی را نیز حکومت‌ها ارائه می‌دهند و لذا می‌توانند ناصحیح باشند و برای حفظ وجهه، ارقام پایین‌تری ذکر شود.

به طور خلاصه در شاخص مذکور دو رقم برای رده‌بندی کشورها وجود دارد:

۱. مرگ و میرهای مربوط به جنگ در منازعات مسلحانه به هر صد هزار نفر جمعیت.

۲. قتل‌ها که حکومت ملی بر حسب صد هزار نفر جمعیت اعلام می‌کند.

در این رده‌بندی به دلیل وجود ارقام کمی روشن، مقیاس مشترکی وجود دارد. و مقایسه کشورها در آن آسان است؛ اما نقایص فوق مانع آن است که این شاخص کاربرد وسیعی داشته باشد و برای برنامه‌ریزی‌های دولتی و سیاست‌گذاری مفید واقع شود.

1 . HDI

2 . UBC

ب. متدولوژی تیلر اون برای سنجش امنیت انسانی

تیلراون برای سنجش امنیت انسانی از تعریفی نزدیک به تعریف (UNDP) از امنیت انسانی استفاده می‌کند: «امنیت انسانی حراست از هسته حیاتی کل انسان‌ها از تهدیدات جدی و گسترده اقتصادی، زیست‌محیطی، بهداشتی، غذایی، سیاسی و شخصی است.» (۱۲) این تعریف بین مرگ ناشی از طوفان و سیل، با مرگ ناشی از شلیک گلوله فرقی قایل نمی‌شود و همه را تهدیدی علیه امنیت انسانی برمی‌شمارد. در عین حال برای سهولت بحث آنها را در شش دسته و مقوله جای می‌دهد. به زعم وی به رغم آنکه بیشتر تهدیدات علیه امنیت انسانی در جهان سوم است، باید حیات همه ابنای بشر را در آن گنجانند.

به دلیل آنکه هیچ لیست جامع و مانعی از تهدیدات وجود ندارد و هر کدام از متدولوژی‌ها لیستی تهیه می‌کنند و آنچه را تهدیدات مشروعی می‌دانند در آن جای می‌دهند؛ باید شاخص‌هایی وارد شوند که مخاطرات وارد شده به آستانه امنیت انسانی را مشخص کنند. این اساس تیلراون، برای منظور کردن محل و مردمان متأثر از تهدیدات، رویکردی فضایی را مطرح می‌کند که به سیستم اطلاعات جغرافیایی^۱ شهرت دارد. این سیستم امکان جمع‌آوری، سازماندهی و تحلیل فضایی^۲ اطلاعات مربوط به امنیت انسانی را فراهم می‌آورد. در این روش، در داخل کشور نقاطی را که در آنها بیشترین تهدیدات علیه امنیت انسانی وجود دارد به صورت کانونهای حساس^۳ در نظر می‌گیرند. در متدولوژی اون سه مرحله وجود دارد: (۱۳)

۱. مرحله اول: ارزیابی تهدید

چون اقسام مخاطرات و تهدیدات در کشورهای مختلف، متفاوت می‌باشد، بنابراین بر پایه مقولات مشخص شده (زیست‌محیطی، اقتصادی، سیاسی، شخصی، غذایی و بهداشتی)، همه مخاطرات و تهدیداتی را که ممکن است از آستانه مشخص شده در تعریف فراتر روند،

1 . GIS

2 . Spatial

3 . hotspots

فهرست می‌کند. برای مثال در تحقیقی که در مورد کامبوج صورت گرفته، پس از ۶۵ مصاحبه در پنوپنه^۱، با محققان، متصدیان توسعه و مقامات حکومتی، موارد زیر مشخص شده است:

زیست محیطی	اقتصاد	سیاسی	شخص	غذایی	بهداشت
سیل، خشک‌سالی	فقر	فساد، نقص حقوق بشر	مینه‌های ضدنفر سرقت/دزدی سلاحهای کوچک	گرسنگی، سوء تغذیه	ایدز، مالاریا، تب استخوان‌شکن Dengue

این تهدیدات که به صورت مقولات مجزا مرتب شده‌اند، تهدیدات متوجه هسته حیاتی کامبوجی‌ها می‌باشند. (۱۴)

۲. مرحله دوم: جمع‌آوری و سازماندهی داده‌ها

پس از شناخت تهدیدات، داده‌های مفصل راجع به آنها جمع‌آوری می‌شوند. این داده‌ها باید ربط متقابل فضایی داشته باشند؛ یعنی همه آنها به یک ناحیه جغرافیایی مجزا (دهکده، استان، شهر و ...) یا به یک نقطه مختصاتی جغرافیایی نسبت داده شوند. این کار برای سازماندهی داده‌ها و ترسیم آنها با سیستم^۲ ضرورت دارد؛ زیرا پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی، برای وارد کردن آنها در نقشه فقط محل جغرافیایی‌شان ضروری است. در این مرحله نیز داده‌ها خام‌اند و اطلاعات برای کارشناسان مفهوم و مفید است. برای سازماندهی هر داده، آن را در واحد فضایی‌اش مثلاً استان گنجانده و جدولی از تعداد تهدیدات و اقسام و شدت‌ها برای استان‌ها تهیه می‌کنند. در جدول مزبور هر یک از موارد مخاطرات برای مثلاً استانها ذکر می‌گردد و جداول برای موارد زیر (در مورد کامبوج) تهیه می‌شود: (۱۵)

* امنیت اقتصادی و غذایی - درصد جمعیت زیر خط فرد (در واحد فضایی)

* امنیت بهداشتی

۱. تب استخوان‌شکن جدید در هر صد هزار نفر (استان)

۲. مالاریا - درصد جمعیت در معرض خطر (استان)

1 . Phno Penh

2 . GIS

۳. ایدز (HIV) - درصد کارگران جنسی آلوده (استان)

۴. سل (TB) - موارد در صد هزار من (ناحیه)

۵. مرگ و میر اطفال در هر صد هزار نفر (استان)

* امنیت شخصی

۱. مین‌های زمینی - درصد روستاهای آلوده (منطقه)

۲. سلاح‌های کوچک - درصد مجروحان فیزیکی به هر سلاح (استان)

۳. خشونت خانوادگی - درصد زنان ازدواج کرده معروض خشونت خانوادگی (استان)

۴. خشونت - منازعات بر سر زمین، سرقت و دزدی و خشونت در خانه

* امنیت سیاسی

۱. نقص حقوق بشر در هر صد هزار تن (استان)

* امنیت زیست محیطی

۱. سیل - افراد متأثر در هر صد هزار تن (منطقه)

۲. خشک‌سالی - افراد متأثر در هر صد هزار تن (منطقه)

۳. مرحله سوم: مصورسازی و تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری اطلاعاتی که مختصات جغرافیایی‌شان معلوم است، داده‌های مزبور در سیستم اطلاعات جغرافیایی سازمان داده می‌شوند. چون همه اطلاعات به یک واحد و فضا مربوط می‌شوند، همه آنها با مشخصه واحدی به هم اتصال می‌یابند. در GIS هر تهدیدی به لایه‌ای مبدل می‌شود که می‌تواند به تنهایی یا با تهدید دیگری ترسیم گردد. این کار امکان می‌دهد که هر مجموعه‌ای از داده‌ها، اعم از پیمایش، تصویربرداری ماهواره‌ای یا مطالعات کیفی ترسیم و تحلیل شود. این فرآیند سه مرحله دارد:

یک. به هم پیوستن فضایی: جهت ترسیم جداول داده‌ها، باید با جداول داده‌های فایلهای تصویری^۱ که نمایانگر خطوط مرزی‌اند، ترکیب شوند. این جداول با موضوع مشابهی به هم

می‌پیوندند و این همان کدی است که به واحد فضایی داده شده است. بعد از این کار، نقشه‌ای حاوی مثلاً توزیع ایدز در کشور بر حسب سرحدات استانی خواهیم داشت.

دو. رده‌بندی تهدید: با آنکه می‌توان داده‌ها را به صورت مستقل از هم ترسیم کرد؛ اما برای آنکه کانون‌های مخاطره مشخص شوند، لازم است مقیاس مشترکی وجود داشته باشد و سطوحی برای تهدید در نظر گرفته شود که تیلر اون برای این منظور سطح تهدید ۰، ۱، ۲ را در نظر می‌گیرد.

سه. ترکیب داده‌ها: در مرحله نهایی اطلاعات همه سطوح تحلیل (استانی، ناحیه‌ای و محلی) با هم در جدول نهایی با مقیاس کوچکترین واحد فضایی ترکیب می‌شوند. این کار با دسته‌بندی همه اطلاعات، نوع اولیه داده‌ها و رده‌بندی آن مشابه واحدهای فضایی صورت می‌گیرد. در نتیجه سه جدول به دست می‌آید: جدول نهایی استانی، جدول نهایی ناحیه‌ای و جدول نهایی محلی. این سه جدول با هم ترکیب می‌شوند و جدول و نقشه‌ای به دست می‌آید که همه داده‌ها در آن بر حسب اسم و کد استان، ناحیه و محل، فهرست شده‌اند. (۱۶)

مرحله تحلیل داده‌ها، مرحله نهایی است و با روی هم قرار دادن لایه‌های تهدید صورت می‌گیرد و باعث می‌شود که کانون‌های مخاطره کشف و مشخص شوند. از این کانون‌ها و روی هم قرار گرفتن لایه‌های تهدیدات می‌توان به همبستگی و ارتباط متقابل تهدیدات با همدیگر نیز پی برد.

کانون‌های خطر و تهدید، نقاطی هستند که در آنها بیشترین مخاطرات علیه امنیت انسانی وجود دارد. نقاطی که در آنها لایه‌های مختلف مخاطرات روی هم قرار می‌گیرند. (۱۷) گرچه تهدیدات را یک به یک می‌توان ترسیم و مطالعه کرد؛ اما از مطالعه تک‌تک آنها برداشت کاملی که از نقشه به دست می‌آید، حاصل نمی‌شود و تأثیرات تراکمی و فزاینده آنها معلوم نمی‌گردد. به این ترتیب برای برنامه‌ریزی به منظور مقابله با تهدیدات مذکور نیز از روی داده‌های یک بعدی (مثلاً تصویر ماهواره‌ای نشان‌دهنده امکان وقوع سیلاب یا نقشه مین‌های ضد نفر و یا گسترش ایدز و نظایر آنها) عمل نمی‌شود.

نتیجه گیری

در بررسی امنیت انسانی، همانطور که در ابتدای مقاله اشاره شد، معضل انتخاب موارد تهدیدات وجود دارد. مدل تیلر اون برخی از این مشکلات را حل کرده است. از جمله آنکه فهرست تهدیدات را به صورت دینامیک و معقول درآورده که برای نقاط و مناطق مختلف قابل استفاده می‌باشد و از سوی دیگر با ترکیب و تحلیل کلی داده‌ها، آنها را از حالت فهرست تهدیدات خارج ساخته و ترسیم اطلاعات و داده‌ها امکان مطالعه تعامل تهدیدات مختلف و حالت تشدید آنها را فراهم می‌کند.

در مجموع، امنیت انسانی یکی از مفاهیم اصلی امنیت پس از پایان جنگ سرد و البته اعتراضی به رویکرد دولت‌محور امنیت است. به زعم طرفداران امنیت انسانی اگر هدف امنیت حفظ انسان در برابر مخاطرات باشد، در آن صورت توجه به امنیت انسانی ضرورتی جدی‌تر است. تصور می‌رود که با مخدوش شدن برداشت‌های سنتی و ارتدکس از امنیت ملی در جریان جهانی‌شدن، امنیت انسانی اهمیت بیشتری پیدا کند. در عین حال از زاویه دیگر، امنیت انسانی مکمل امنیت ملی در حال حاضر و یا حتی پایه آن است؛ زیرا بخش اصلی قدرت دولت‌ها از نیروهای انسانی کارآمد و ماهر و آموزش‌دیده و شهروندان مطلع و آگاه تشکیل می‌شود. در عین حال قبل از تأمین شدن حداقلی از امنیت انسانی، رسیدن به این سطوح اگر محال نباشد، بسیار دشوار است. انسانی که از سوء تغذیه رنج می‌برد، در معرض آلودگی به ایدز قرار دارد، از خشونت خانوادگی در عذاب است و درگیر مسایلی از این قبیل می‌باشد، نمی‌تواند به ارتقای علمی و رشد فکری بپردازد. بنابراین پیش شرط داشتن انسان‌های کارآمد و مفید، برخورداری از امنیت انسانی است.

یادداشت‌ها

1. Owen, Taylor, "Measuring Human Security: Overcoming The Paradox", In *Human Security Bulletin*, Vol. 2, No. 3.
 2. Mahbulhaq, *New Imperatives of Human Security*, RGICS Paper No. 17, Rajiv Gandhi Institute for Contemporary Studies (RGICS) Rajiv Gandhi Foundation, New Delhi, 1994.
 3. Alkire, Sabina, "Conceptual Frame workfor Human Security, available online at: <http://www.humansecurity-chs.Org/Cvtivities/outreach/Frame.Pdf>.
 4. Gary king & Christopher J.L. Murray, "Rethinking Human Security" in: *Political Science Quarterly* Vol.116. No.4, 2001 - 02. pp. 592 - 3.
 5. Ibid, pp. 595 - 6.
 6. Bajpai, Kanti, *Human Security: Concept and Measurement*, Kroc Institute, Occasional paper, August, 2000, p. 40.
 7. Ibid, pp. 54 - 5.
 8. Ibid. p. 55.
 9. The Index of Human Insecurity available Online at: <http://www.gechs.org/aviso/avisoenglish/six-Lg.Shtml.p.1>.
 10. Ibid. p.3.
 11. Ibid. pp. 3 - 4.
 12. Human Security Report: A proposal, Paper Prepared for VIth Ministerial Meeting of the Human Security Network, Santiagode chile, 2-3 july 2002.
 13. Taylor, Owen, "Body count: Rationale and methodologies for measuring human security", *Human security bulletin*, October 2002, Vol, 1, No.3. p.3.
 14. Owen, Taylor, "human security mapping: A new method for measuring vulnerability", available online at: <http://cfs.Unipv.It/Ca2004/papers/owen.Pdf>.
 15. Ibid. P.13.
 16. Ibid. p.14.
 17. Ibid. pp. 15 - 6.
- Ibid. p. 16 and also, Owen, Taylor, op. cit.